

اوکراین در استراتژی اروپا



جورج فریدمن

استراتژیست

دو سال از حمله روسیه به اوکراین می‌گذرد، بنابراین وقت آن است که وضعیت استراتژیک را آنطور که من می‌بینم ترسیم کنیم. در فوریه سال ۲۰۲۲، استدلال من این بود که روسیه در درجه اول به اوکراین حمله کرد تا عمق استراتژیک خود را افزایش دهد. جنگ‌های ناپلئون و هیتلر علیه روسیه به دلیل مسافت زیادی که مهاجمان برای رسیدن به مسکو باید طی می‌کردند، خنثی شد. این فاصله مهاجمان را خسته کرد و تا رسیدن به قلب روسیه آنها را در هم شکست. وقایع سال ۲۰۲۲ از نظر من همین داستان را تداعی می‌کند. از نظر من، هدف از این جنگ این بود که مسافت بیشتری بین مسکو و غرب، به‌ویژه ناتو قرار گیرد. به نظر من، نیت آمریکا این نبود که تهاجم نهایی به روسیه را آغاز کند. سازمان اطلاعات روسیه قدرتمند است و بعید است که کرملین گزارش‌هایی از برنامه‌های تهاجم آمریکا دریافت کرده باشد اما در حکومت‌داری، نیت صرف، کفایت نمی‌کند. چراکه نیت‌ها می‌توانند در عرض چند دقیقه تغییر کنند. چیزی که روسیه بیشتر به آن توجه کرد، توانایی‌های آمریکا و ناتو بود. اما ایالات متحده و ناتو به دنبال هر چه بودند، در موقعیت حمله به روسیه نبودند. با این حال، روسیه می‌تواند که نیت آنها و همچنین توانایی‌های آنها تغییر کند. جنگ باید زمانی آغاز شود که دشمن قصد جنگیدن نداشته باشد و توانایی محدودی داشته باشد. این محاسبه باعث شد که روسیه به اوکراین حمله کند و در نتیجه منطقه حائلی گسترده در برابر تهاجم آمریکا به دست آید. حمله به اوکراین شکست خورده است. مسکو به وضوح قصد داشت تا قبل از اینکه ایالات متحده یا ناتو به جنگ بپیوندند، به سرعت نیروهای اوکراینی را از پای درآورد. در عوض، روسیه تعداد قابل توجهی تلفات، تلاش برای کودتا از سوی یک گروه نظامی خصوصی، خسارات اقتصادی قابل توجه و محاسبه مشکلات جمعیتی خود را تجربه کرده است. دو سال گذشته برای روس‌ها و اوکراینی‌ها هزینه زیادی داشته است. روسیه خوب جنگید و به اندازه کافی در سازماندهی موفق نبود اما آنقدرها هم خوب عمل کرد تا دیگری را به نقطه‌ای برساند که تعهد ایالات متحده به اوکراین اکنون در معرض خطر قرار گیرد. اگر روسیه کل اوکراین را بگیرد، آن وقت سوال اساسی این است که حرکت بعدی روسیه چه خواهد بود؟ پوتین تصریح کرده است که معتقد است اوکراین بخشی از روسیه است. او به اهداف دیگری نیز چشم دارد. اگر روسیه اوکراین را اشغال کند و سپس به دنبال عقب راندن ناتو باشد، این اهداف ممکن است با توانایی روسیه مطابقت داشته باشد. ایالات متحده احتمالاً تسلیحات بیشتری ارسال خواهد کرد، اما روسیه آنقدر به داخل اوکراین رفته است که با نیروی اندک متوقف شود. ایالات متحده جنگ جهانی دوم و جنگ سرد را برای جلوگیری از تسخیر و کنترل اروپا توسط یک قدرت واحد انجام داد. منابع ذاتی اروپا یک تهدید بالقوه است. وودرو ویلسون متوجه این موضوع بود. فرانکلین روزولت و رؤسای جمهور مختلف آمریکا که در دوران جنگ سرد ریاست می‌کردند نیز همینطور. کنترل آلمان و روسیه از دیرباز از اصول اساسی سیاست خارجی ایالات متحده بوده است. جنگ در اوکراین ادامه سیاست خارجی ثابت ایالات متحده است که به ابتدای قرن گذشته بازمی‌گردد. اما آنچه در اوکراین اتفاق می‌افتد بر آنچه در بقیه اروپا اتفاق می‌افتد تأثیر می‌گذارد. سوال این است که آیا ایالات متحده دیر یا زود با روسیه مقابله می‌کند یا خیر؟ پاسخ به این سوال لزوماً شامل اروپا هم می‌شود. جنگ سرد یک اتحاد واقعی بود. حقیقت این است که اروپا با بیشترین خطر مواجه است و باید بیشتر بودجه و حمایت را برای اوکراین اختصاص دهد. وضعیت در اروپا به نقطه‌ای رسیده است که دیگر باید دست به انتخاب زد و همه انتخاب‌ها هزینه دارند.



گروه بین‌الملل: از نگاه برخی متفکران غربی، بالکان «جبهه دوم روسیه در اروپا» است و با تجربه جنگ اوکراین باید بیش از پیش نگران این منطقه بود. منطقه بالکان برای قرن‌ها مرکز رقابت قدرت‌های بزرگ بوده است. روسیه سال‌های طولانی نقش اصلی را در این منطقه ایفا می‌کرد و به حمایت از متحدان اسلاویک و مسیحیان ارتدوکس در صربستان و سایر کشورهای منطقه بالکان می‌پرداخت. در دهه ۱۹۹۰ میلادی، با تجزیه یوگوسلاوی و مناقشه‌هایی که بی‌آن به وجود آمد، بالکان بار دیگر به یکی از چالش‌برانگیزترین مناطق در اروپا بدل شد. فوریه ۲۰۲۲، تهاجم نظامی روسیه به اوکراین، اروپا را وارد عصر جدیدی از بی‌ثباتی کرد. پایه و اساس نظم سیاسی و اقتصادی منطقه دچار تغییر شد و ابری از ابهام بر فراز تصویر آینده همکاری‌های مسکو و سایر پایتخت‌های اروپایی پدیدار گشت. اکنون، پیوندهای تجاری که برای دهه‌ها میان روسیه و کشورهای اروپایی وجود داشت از هم گسسته شده‌اند، کریدورهای تجاری جدید جایگزین نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. در چنین شرایطی، اروپا در پی بازنگری در معماری امنیتی خود است؛ درحالی‌که مسکو تصور می‌کند در یک جنگ دفاعی علیه نفوذ غرب به حوزه نفوذ خود در حال مبارزه است. با شروع جنگ اوکراین وضعیت در بالکان نیز دچار تغییرات مهمی شده که پیش‌بینی آینده این منطقه را سخت‌تر می‌کند. درحالی‌که بیشتر کشورهای این منطقه سعی می‌کنند موضعی نزدیک به اتحادیه اروپا اتخاذ کنند و به حمایت از اوکراین بپردازند، برخی کشورهای بالکان مواضع متفاوتی دارند و ترجیح می‌دهند روابط خود را با مسکو تا حدی حفظ کنند. هر چند مقام‌های کشورهای کراسوی و مقدونیه‌شمالی در همان ماه‌های آغازین جنگ حمله نظامی روسیه را محکوم کردند اما صربستان همچنان مشتاقانه به ادامه اجرای توافق‌ها با گازپروم روسیه ادامه می‌دهد، در مونتنگرو بخش قابل توجهی از افکار عمومی و احزاب حامی روسیه هستند و در بوسنی جامعه بر سر حمایت از اوکراین یا روسیه دوپاره شده است. بخشی از تحلیلگران سیاسی این وضعیت را فرصت مناسبی برای غرب می‌دانند که کشورهای حوزه بالکان را بیش از پیش به بلوک غرب نزدیک کند اما همزمان برخی تحلیلگران نیز هشدار می‌دهند چالش‌ها در این منطقه از جمله اختلافات قومی و مذهبی وضعیت منطقه را متزلزل کرده و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه تلاش دارد مانع از نزدیک شدن کشورهای بالکان به غرب شود.

کدام کشورهای بالکان عضو اتحادیه اروپا و ناتو هستند؟

در حال حاضر کشورهای رومانی، بلغارستان، یونان، کراسوی و اسلوونی اعضای اتحادیه اروپا در منطقه بالکان به شمار می‌روند. چهار کشور صربستان، مونتنگرو، آلبانی و مقدونیه شمالی نیز در وضعیت کاندیداتوری عضویت در اتحادیه اروپا قرار دارند.

در ائتلاف ناتو، رومانی، بلغارستان، یونان، کراسوی، اسلوونی، مونتنگرو، مقدونیه‌شمالی و آلبانی عضویت دارند.

بوسنی و هرزگوین برای عضویت اقدام کرده اما هنوز عضو ناتو نیست. صربستان و کوزوو نیز در خواستی برای عضویت در ناتو نداشته‌اند.

نقطه اشتعال ژئوپلیتیک اروپا

تنش‌های ژئوپلیتیک در منطقه بالکان از دهه ۱۹۹۰ هم‌زمان با تجزیه یوگوسلاوی و جنگ‌های پس از آن اوج گرفت و اکنون، هم‌زمان با تقابل روسیه و غرب بر سر اوکراین، تنش‌ها در بالکان نیز بار دیگر افزایش یافته است. اقدامات غرب برای گسترش نفوذ خود در منطقه بالکان همواره با واکنش مسکو و ملی‌گراها در کشورهای بالکان که مورد حمایت روسیه هستند، روبه‌رو شده است. تحلیلگران غربی بر این باورند که مناقشه‌های حل‌نشده در بوسنی و هرزگوین، صربستان و کوزوو به تداوم بی‌ثباتی در منطقه منجر می‌شود و روسیه از بی‌ثباتی برای برتری جویی در برابر غرب و تضعیف اتحادیه اروپا و ناتو بهره خواهد برد.

جنگ اوکراین و نگاه کشورهای بالکان به روسیه

بوسنی و هرزگوین: در این کشور، مقام‌های ارشد و رئیس‌جمهور جمهوری صرب که در کنار فدراسیون بوسنی و هرزگوین یکی از دو نهاد سیاسی موجود در بوسنی و هرزگوین محسوب می‌شود، به‌طور آشکار از روسیه حمایت می‌کنند. این موضع از زمان اشغال شبه‌جزیره کریمه در سال ۲۰۱۴ تا امروز بدون تغییر باقی مانده و دیدار میلوراد دادیک، رئیس‌جمهور جمهوری صرب با پوتین در کاران این مسئله را تأیید می‌کند. دادیک در این دیدار گفت: «ما پیوستن به هر اتحادی برای تحریم روسیه را رد می‌کنیم.» در مقابل فدراسیون بوسنی و هرزگوین حمله به اوکراین را محکوم کرده است اما آن‌ها نیز زمانی که بحث کمک به اوکراین مطرح شده، به اعطای یک کمک نمادین ۱۵۰ هزار یورویی اکتفا کردند. از زمان حمله روسیه به اوکراین ۱۲۲ هزار اوکراینی به بوسنی و هرزگوین رفتند اما اکثر این افراد پس از مدتی بوسنی را به مقصدهای دیگری ترک کردند.

کراسوی: از زمان آغاز جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲، آندری پلانتکوویچ، نخست‌وزیر کراسوی بارها و بارها حمله نظامی روسیه را محکوم کرده و تأکید کرده است که کشورش حامی اوکراین است. آن‌ها ضمن ارائه کمک‌های نظامی (هرچند محدود) به اوکراین از تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه نیز حمایت کرده و به این تحریم‌ها پیوسته‌اند. از سوی دیگر، واژه‌هایی نظیر «پوتینوفیل» و «روسوفیل» به ناسزاهایی در راستفاده در فضای سیاسی کراسوی بدل شده‌اند و نخست‌وزیر کراسوی بارها رئیس‌جمهور این کشور را به حمایت از منافع روسیه متهم کرده که با پاسخ‌هایی از سوی رئیس‌جمهور و طرح اتهامات مشابه همراه بوده است.

کوزوو: کوزوو از همان ابتدا تصمیم گرفت که همراه با کشورهای غربی علیه روسیه گام بردارد. آلبین کورتی، نخست‌وزیر کوزوو در یکی از بیانیه‌های خود آورده است:



شبهه‌جریه متفق

نگرانی در خصوص تحولات بالکان به عنوان

«جمهوری کوزوو و مردم آن همراه با متحدان استراتژیک خود اتحادیه اروپا، ناتو و ایالات متحده گام‌برمی‌دارد و همکاری‌های ادامه‌داری با شرکایش دارد.» کوزوو همچنین قوانینی در راستای حمایت از شهروندان اوکراینی تصویب کرد.

مونتنگرو: دولت کنونی مونتنگرو همانند دولت پیشین این کشور حمله نظامی روسیه به اوکراین را محکوم کرده است اما برخی احزاب کوچکتر به‌ویژه احزاب طرفدار صرب‌ها ترجیح می‌دهند حامی روسیه باشند. مونتنگرو از زمان شروع جنگ کمک‌های مالی و نظامی برای اوکراین ارسال کرده و میزبان ۱۹۱ هزار مهاجر اوکراینی بوده است. روسیه عموماً مونتنگرو را یک «دشمن» می‌بیند.

مقدونیه شمالی: این کشور خیلی زود به تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه پیوست. حتی زمانی که بیانیه‌ای در حمایت از تمامیت ارضی اوکراین در پارلمان مقدونیه شمالی به رأی گذاشته شد، هم حزب حاکم و هم حزب اپوزیسیون به آن رأی



رویکرد روسیه در راستای یافتن راه‌های کم‌هزینه برای اعمال نفوذ در بالکان.

تلاش برای کنکردن ادغام بالکان در نهاد‌های غربی و همچنین تعمیق روابط خود با صربستان و گروه‌های صرب در دیگر کشورهای منطقه است

کوزوو: کوزوو از همان ابتدا تصمیم گرفت که همراه با کشورهای غربی علیه روسیه گام بردارد. آلبین کورتی، نخست‌وزیر کوزوو در یکی از بیانیه‌های خود آورده است:

اولگ ایگانتوف تحلیلگر مسائل اوراسیا در گروه بین‌المللی بحران در گفت‌وگو با «هم‌میهن»:

مسئله اوکراین در سال ۲۰۲۴ آزادسازی سرزمین نیست حفظ سرزمین است!

از سوی روسیه در منطقه دونباس، زاپروژیا و خارکیف هستیم. ما باید ببینیم این عملیات آفندی روسیه به کجا خواهد رسید. اکنون باید درباره این مسئله صحبت کنیم که اوکراین چگونه می‌تواند در برابر روسیه از خود دفاع کند؟ تصویر فعلی ما از وضعیت این گونه است که روسیه حمله می‌کند، اوکراین به دفاع می‌پردازد، اوکراین از نظر منابع در موضع ضعف قرار دارد و سرنوشت کمک‌های آمریکا هم هنوز نامعلوم است. می‌خواهم بگویم ما برای پاسخ به سوال شما باید به سوالات زیادی پاسخ بدهیم. اول اینکه، سرنوشت کمک‌های آمریکا چه خواهد شد؟ دوم اینکه، آیا اوکراین می‌تواند با فراخ‌ان‌های جدید نیروهای بیشتری را جمع‌آوری کند و با آموزش لازم آن‌ها را به میدان نبرد بفرستد؟ سوم اینکه، آیا در نبود کمک‌های آمریکا، کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا می‌توانند کمک‌های اوکراین را جبران کنند یا خیر؟

اگر اوکراین کمک‌های آمریکا را دریافت نکند، اگر اروپایی‌ها نتوانند کمک‌های ناشی از نبود کمک آمریکایی‌ها را جبران کنند و اگر اوکراین نتواند تعداد کافی سرباز آماده کند و به میدان جنگ بفرستد، پاسخ سوال شما این خواهد بود که صحبت از پیروزی اوکراین دیگر مطرح نیست و ما باید درباره بدترین سناریوها برای اوکراین صحبت کنیم. ما چند نقطه عطف در جنگ اوکراین داشتیم. در مارس ۲۰۲۲ برنامه روسیه برای تغییر نظام سیاسی اوکراین و تسخیر کی‌یف شکست خورد. در تابستان ۲۰۲۲ روس‌ها لوهانسک را تسخیر کردند. در سپتامبر ۲۰۲۲ ضدحمله اوکراینی‌ها در منطقه خارکیف، در شرق اوکراین و در جنوب به آزادسازی بخش‌هایی از مناطق اشغالی انجامید. در سال ۲۰۲۳ ضدحمله اوکراین شکست خورد و حالا با حمله روسیه مواجه هستیم که باید ببینیم نتیجه آن چه می‌شود. در این مقطع و در این نقطه عطف، ما سوالات زیادی داریم که پاسخی برای



حامی اوکراین است. آن‌ها ضمن ارائه کمک‌های نظامی (هرچند محدود) به اوکراین از تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه نیز حمایت کرده و به این تحریم‌ها پیوسته‌اند. از سوی دیگر، واژه‌هایی نظیر «پوتینوفیل» و «روسوفیل» به ناسزاهایی در راستفاده در فضای سیاسی کراسوی بدل شده‌اند و نخست‌وزیر کراسوی بارها رئیس‌جمهور این کشور را به حمایت از منافع روسیه متهم کرده که با پاسخ‌هایی از سوی رئیس‌جمهور و طرح اتهامات مشابه همراه بوده است.

کوزوو: کوزوو از همان ابتدا تصمیم گرفت که همراه با کشورهای غربی علیه روسیه گام بردارد. آلبین کورتی، نخست‌وزیر کوزوو در یکی از بیانیه‌های خود آورده است:

کراسوی: از زمان آغاز جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲، آندری پلانتکوویچ، نخست‌وزیر کراسوی بارها و بارها حمله نظامی روسیه را محکوم کرده و تأکید کرده است که کشورش حامی اوکراین است. آن‌ها ضمن ارائه کمک‌های نظامی (هرچند محدود) به اوکراین از تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه نیز حمایت کرده و به این تحریم‌ها پیوسته‌اند. از سوی دیگر، واژه‌هایی نظیر «پوتینوفیل» و «روسوفیل» به ناسزاهایی در راستفاده در فضای سیاسی کراسوی بدل شده‌اند و نخست‌وزیر کراسوی بارها رئیس‌جمهور این کشور را به حمایت از منافع روسیه متهم کرده که با پاسخ‌هایی از سوی رئیس‌جمهور و طرح اتهامات مشابه همراه بوده است.



حامی اوکراین است. آن‌ها ضمن ارائه کمک‌های نظامی (هرچند محدود) به اوکراین از تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه نیز حمایت کرده و به این تحریم‌ها پیوسته‌اند. از سوی دیگر، واژه‌هایی نظیر «پوتینوفیل» و «روسوفیل» به ناسزاهایی در راستفاده در فضای سیاسی کراسوی بدل شده‌اند و نخست‌وزیر کراسوی بارها رئیس‌جمهور این کشور را به حمایت از منافع روسیه متهم کرده که با پاسخ‌هایی از سوی رئیس‌جمهور و طرح اتهامات مشابه همراه بوده است.

آن‌ها وجود ندارد. اگر بخواهم شرایط این لحظه را توصیف کنم، باید بگویم اوکراین در وضعیت واقعاً بدی قرار دارد. البته وضعیت به بدی فوریه ۲۰۲۲ که جنگ شروع شد نیست اما به هر حال بد است. همه این موارد باعث می‌شود صحبت اصلی درباره این نباشد که اوکراین چگونه خاک خود را آزاد خواهد کرد بلکه در این خصوص باشد که اوکراین چگونه خاک خود را حفظ خواهد کرد و تا چه زمانی موفق به این کار خواهد شد.

همانطور که شما اشاره کردید، وضعیت کمک‌های ایالات متحده به اوکراین در حال‌های از ابهام است. اروپا هم در تصویب بسته حمایتی با مشکلاتی از جمله مخالفت مجارستان روبه‌رو شد. به نظر شما با این موانع و مشکلات، کمک‌ها به اوکراین ادامه خواهد داشت؟

این سوال بسیار خوبی است اما واقعاً هنوز پاسخ روشنی برای آن وجود ندارد. تحلیلگران خوش‌بین‌تر می‌گویند در نهایت کنگره پول لازم را برای اوکراین فراهم خواهد کرد اما نگاهی به اظهارات برخی جمهوری خواهان نشان می‌دهد نمی‌توان به اطمینان از تداوم کمک‌های آمریکا به اوکراین خبر داد. سیاست در آمریکا بسیار پیچیده است و همه چیز به این بستگی دارد که جمهوری خواهان و دموکرات‌ها یا حامیان اوکراین و مخالفان حمایت از اوکراین، چطور می‌توانند به توافق برسند. از نظر من وضعیت کاملاً ۵۰-۵۰ است.

شرایط اروپا کمی متفاوت است. اروپا مسیر آسان‌تری برای حمایت از اوکراین دارد و مکانیسم‌ها و راهکارهای بهتری برای ارائه کمک به اوکراین دارد. به باور من مسئله اصلی برای اروپا به تصویب رساندن کمک‌ها نیست؛ اروپا مشکلاتی دارد که از جمله آن‌ها مشکل کمبود پول است. آن‌ها منابع مالی کافی مانند آمریکا ندارند. مثلاً به بسته اخیر نگاه کنید؛ فرانسه متعهد شده تا میلیاردها دلار کمک کند اما این رقم در بودجه دولت فرانسه دیده نشده و آن‌ها ناگزیرند به نحوی این مبلغ را تهیه کنند و برای حمایت از اوکراین هزینه کنند. حرف من این است که هرچه بیشتر اروپایی‌ها بخواهند به اوکراین کمک کنند، دولت‌های اروپایی با مشکلات بیشتری در داخل برای تأمین این کمک‌ها مواجه خواهند شد. بله، برخی کشورها مانند مجارستان هستند که نمی‌خواهند کمک کنند. مسئله دیگر، کمبود تولیدات و تجهیزات نظامی است. اروپا منابع کافی برای تأمین نیاز اوکراین به گلوله توپ و گلوله تفنگ ندارد و تولیدات اروپایی‌ها به اندازه‌ای نیست که این نیاز را برطرف کنند. اروپا باید پول بیشتری پیدا کند که بتواند این



محمدحسین لطف‌اللهی

گزارشگر هم‌میهن

در شرایطی دو سال از آغاز جنگ اوکراین می‌گذرد که برخلاف سال ۲۰۲۲ ضدحمله اوکراین در سال ۲۰۲۳ ناکام ماند و مشکلات زیادی هم در زمینه ارسال کمک به اوکراین وجود دارد. این مسئله تردیدهای زیادی را در خصوص آینده جنگ ایجاد می‌کند. برای بررسی این موضوع گفت‌وگویی با اولگ ایگانتوف، تحلیلگر مسائل اوراسیا در گروه بین‌المللی بحران داشته‌ایم. او معتقد است، اکنون صحبت اصلی این نیست که اوکراین چگونه خاک خود را آزاد خواهد کرد بلکه است که اوکراین چگونه خاک خود را حفظ خواهد کرد. این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

دو سال از آغاز جنگ اوکراین گذشت. آیا هنوز هم فکر می‌کنید اوکراین شانس برای پیروزی در جنگ دارد؟

پاسخ به این سوال بستگی به این مسئله دارد که پیروزی اوکراین را چگونه تعریف کنیم. اگر پیروزی به معنای آزادسازی کل مناطق اشغالی باشد، در شرایط فعلی بسیار سخت است که بگویم این اتفاق خواهد افتاد. زیرا ضدحمله اوکراین شکست خورد و روسیه برتری قابل توجهی از نظر تعداد سربازان و مایحتاج نظامی شامل تجهیزات و گلوله توپ و تفنگ دارد. در حال حاضر روسیه در موقعیت حمله است و ما در میانه یک عملیات آفندی